

سه تار عبادی، تنها شد

در اسفندماه ۱۳۷۱، سرزمین کهن ایران در غم از دست دادن یکی از بزرگ‌ترین افتخارات موسیقی‌اش به سوگ نشست.

احمد عبادی، بزرگ‌مرد موسیقی ایران روی در نقاب خاک کشید. این هنرمند بزرگ، این نوازندهٔ چیره‌دست سه‌تار آخرین بازماندهٔ خاندان هنر بود؛ خاندانی که بیش از صد سال سابقهٔ خدمت به موسیقی ایران دارد. گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بزرگ این خاندان، آقاعلی‌اکبر فراهانی فرزند شاه‌ولی، از نوازندگان اوائل دورهٔ ناصری می‌باشد. از اینکه آیا پدر وی، شاه‌ولی به موسیقی آشنایی داشته است یا خیر یا اینکه استاد وی چه کسی بوده است چیزی در دست نیست.

آقاعلی‌اکبر نوازنده‌ای چیره‌دست بود، بطوری که کنت گورویینو - که ساز او را شنیده است - وی را هم‌مطراز بزرگ‌ترین هنرمندان اروپا می‌داند. اما متأسفانه نغمه یا آهنگی که منسوب به او باشد در دسترس نیست.

آقاعلی‌اکبر، مردی عارف و اهل شعر و ادب بود، گویند، وی در تعقیب نماز عشاء یکی از سوره‌های قرآن را نواخته است که شنوندگان تشخیص داده‌اند که سورهٔ مبارکه «یس» بوده است؛ البته باید دانست که این کار از یک هنرمند بزرگ و چیره‌دست برمی‌آید.

آقاعلی‌اکبر سه پسر داشت، پسر بزرگش میرزاحسن که از تعلیمات پدر برخوردار شد و در نواختن تار و سه‌تار مهارت یافت ولی در جوانی درگذشت، دو پسر دیگر آقاعلی‌اکبر؛ میرزا عبدالله



● آقا علی اکبر فرامانی استاد تار و شاگردانش. تاری که در دست استاد است به نام قلندر معروف بود. این تابلو کار استاد صنیع الملک است که بواسطه فوت نقاش ناتمام ماند.

۱۳۳

و آقاحسینقلی بودند که هنگام وفات آقا علی اکبر اطفال خردسالی بودند. آقا علی اکبر در طول زندگی کوتاه خود شاگردانی چند تربیت کرد که سرآمد آنان برادرزاده اش آقا غلامحسین بود. آقا غلامحسین، بعد از آقا علی اکبر، زبردست ترین نوازنده تار بود؛ چنانکه می گویند هنگام اجرای موسیقی، مضرابش بقدری تند، ریزه، سریع و متوالی بود که از دور صدای آرشه کمانچه می داده است.



● آقاحسینقلی و علی اکبر شهنازی



● آقا غلامحسین برادرزاده و بهترین شاگرد آقا علی اکبر فرامانی و استاد میرزا عبدالله و آقاحسینقلی

آقاغلامحسین بعد از فوت آقااعلی اکبر، با همسر عمویش ازدواج می‌کند و سرپرستی فرزندان استاد و عمویش را به عهده می‌گیرد.

گفتیم که آقااعلی اکبر سه فرزند داشت؛ میرزاحسن، میرزاعبدالله و آقااحسینقلی.

بعد از فوت آقااعلی اکبر، پسر دوم وی، میرزاعبدالله، تعلیمات اولیه موسیقی را نزد برادرش میرزاحسن فرامی‌گیرد و بعد از درگذشت میرزاحسن، در مکتب آقاغلامحسین پسرعمو و شوهر مادرش پرورش یافت.

میرزاعبدالله ردیفهای موسیقی ایرانی را منظم کرد و آنچه که از موسیقی ایرانی بجای مانده است یادگار این هنرمند بزرگوار می‌باشد. او برخلاف بعضی از هنرمندان، آنچه را که فراگرفته بود از طریق سینه به سینه به شاگردان خود آموخت. اسماعیل قهرمانی، یکی از برجسته‌ترین شاگردان میرزاعبدالله است که ۱۲ سال از چشمه فیاض این استاد هنرمند بهره گرفت و تنها کسی بود که ردیفهای میرزاعبدالله را کاملاً می‌دانست؛ بعدها این هنرمند شریف آنچه را که از استاد آموخته بود از طریق سینه به سینه به زنده‌یاد نورعلی خان برومند آموخت.

میرزاعبدالله در سال ۱۲۹۷ شمسی در سن ۷۵ سالگی درگذشت. میرزاعبدالله انسانی شریف و بزرگوار بود او در نواختن تار و سه‌تار مهارت داشت ولی قدرت و چیره‌دستی او بیشتر در نواختن سه‌تار بوده است.

آقااحسینقلی، فرزند سوم آقااعلی اکبر نیز موسیقی را ابتدا نزد میرزاعبدالله و سپس نزد آقاغلامحسین فرامی‌گیرد او نیز مانند میرزاعبدالله نوازنده‌ای ماهر و صاحب سبک و استادی دلسوز بود و شاگردان زیادی تربیت کرد.

«آقااحسینقلی قطعاتی از خود ساخته و در ضمن اجرای ردیف، آنها را نیز می‌نواخت (از قبیل خوارزمی و غیره) ولی میرزاعبدالله جز مطالب اصیل ردیف چیز دیگری نمی‌نواخت و از این جهت مطالب او را ردیف اصیل موسیقی ایرانی دانسته‌اند و به اصطلاح موسیقی دانان ایرانی کتاب موسیقی ما، ردیف میرزاعبدالله است.»^(۱)



● میرزاعبدالله، استاد سه‌تار و تار



● آقااحسینقلی استاد تار



● استاد علی اکبر شهنازی



● استاد عبدالحسین شهنازی



● استاد علی اکبر شهنازی

در سالهای آخر زندگی

آقا حسینقلی دو دختر و سه پسر داشت که استاد علی اکبرخان شهنازی و عبدالحسین شهنازی راه پدر را ادامه دادند و پسر دیگر محمدحسن شهنازی با وجودی که به نواختن تار آشنا بود ولی دنبال این کار را نگرفت.

میرزا عبدالله چهار فرزند داشت؛ ۲ دختر به نامهای مولود و ملوک و ۲ پسر به نامهای جواد و احمد که هر چهار تن ذوق موسیقی داشتند. مولود خانم و جواد و ملوک مستقیماً از تعلیمات پدر بهره مند شدند، بخصوص مولود خانم که از همه بیشتر ردیفهای پدر را آموخته بود، جواد بعلت آسیبی که در کودکی به دستش داده شده بود نتوانست دنبال موسیقی را بگیرد.

کوچکترین فرزند این خاندان، احمد عبادی است که در سال ۱۲۸۵ متولد شد و ابتدا با فراگرفتن ضرب با موسیقی ضربی آشنا می شود و بعد از اینکه چند جلسه از پدر تعلیم سه تار می گیرد سایه پدر از سرش می رود و از تعلیمات پدر محروم می گردد.

احمد عبادی بعداً زیر نظر خواهرش مولود خانم به آموختن موسیقی می پردازد.

این، یکی از بازیهای اعجاب انگیز تقدیر است که استادان بی مانند خاندان هنر مستقیماً از تعلیمات پدر بهره مند نشوند و بوسیله یکی از شاگردان پدرشان تعلیم بگیرند.

عشق به موسیقی احمد عبادی را به جایی رساند که در سن ۱۸ سالگی در نواختن سه تار چیره دست شد و در کنسرتی در گراند هتل - ۱۳۰۳ شمسی - شرکت کرد.

احمد عبادی برای تأمین زندگی بخدمت دولت - کارمند دفتری شهربانی - درآمد و از آنجائی که مانند پدرش اتسانی شریف و آزاده بود از شرکت در محافل آنچنانی که مجمع بی هنران و بی خردان بود خودداری کرد.

احمد عبادی در سال ۱۳۲۷ - ۸ سال پس از تأسیس رادیو تهران - توسط استاد لطف الله مجید به استاد اسماعیل نواب - نواب صفا - ادیب، شاعر و ترانه سرای بزرگ که در آن زمان در رادیو شغل مهمی داشت معرفی و سپس به استخدام رادیو تهران درمی آید. (۲)

احمد عبادی به راستی چهره ای درخشان در موسیقی ایران است، هنرمندی بود که تمام



● زنده‌باد احمد عبادی و حسین تهرانی

صفات یک هنرمند اصیل را داشت، او به مال دنیا بی‌اعتنا بود، هنرش را نفروخت و با شرف زندگی کرد. او شیوه‌ای نوین در نواختن و کوک سه‌تار پدید آورد و این ساز دل‌انگیز ایرانی را که می‌رفت تا کم‌کم از خاطره‌ها محو شود اعتبار بخشید.

پدرم با زنده‌یاد احمد عبادی از طفولیت دوست بودند، وی یکی از شیفتگان موسیقی بود، و با موسیقی‌دانان دیگر مانند زنده‌یادان حسین یاحقی، لطف‌الله مجید، حسین تهرانی معاشر بود. وی پس از آنکه از عشق و علاقه من به موسیقی آگاه شد مرا که کودکی بیش نبودم به محضر این بزرگواران می‌برد.

از عزت نفس احمد عبادی همین بس که روزی که در خدمت ایشان بودیم شخصی او را استاد خطاب کرد، احمد عبادی در پاسخ گفت عزیز من، من با استادی خیلی فاصله دارم مرا احمد عبادی خطاب کنی بهتر است.

خانه عبادی بوی محبت می‌داد. وی گلخانه کوچکی به ابعاد تقریبی 2×3 متر در منزلش احداث کرده بود و در آن به پرورش گل مشغول بود.

در مجلس ختم عبادی وقتی دیدم که استادان بزرگوار چو علی تجویدی و محمدرضا شجریان در کنار در ایستاده و از شرکت کنندگان در مجلس ختم تشکر می‌کنند خاطره‌ای در ذهنم زنده شد.

احمد عبادی بچه نداشت و وی به اتفاق همسرش نصرت‌خانم که هر چه همه خویان داشتند این بانوی بزرگوار به تنهایی داشت و چند سال پیش فوت شد زندگی می‌کرد. یک روز عبادی به



● زنده باد احمد عبادی



● زنده باد احمد عبادی

پدرم گفت: - حسین راستی چند روز است تو این فکرم که اگر فردا افتادم مُردم چه کسی جتازة مرا بلند می کند بچه ای ندارم که اینکار را بکند. پدرم گفت: - احمد جان اولاً عمر دست خداست ثانیاً تو تنها نیستی تمام علاقه مندان به موسیقی فرزند تو هستند. آن روز در خانقاه صفی علیشاه این امر به من ثابت شد، راستی که چه فرزندان که هر کدام گوشه ای از تاریخ موسیقی این سرزمین کهن هستند.

احمد عبادی، آخرین هنرمند چیره دست از خاندان هنر، روی از جهان برتافت، صدای پرنیانی ساز عبادی را دیگر نخواهیم شنید. آن پنجه و آن ناخن سحرانگیز که خالق شگفتیها بودند اکنون آرام و بی حرکت در دل خاک آرمیده اند.

شماره حضور مضرابها را بر زمین گذاشت اکنون استاد فرامرز پایور آنها را در دست گرفته است. تی نایب اسدالله را استاد حسن کسایی می نوازد. ویولن استاد صبا را استاد علی تجویدی و کمانچه اسماعیل خان را استاد بهاری و تار درویش خان را استاد شهناز می نوازد. استاد محمدرضا شجریان صدای سیدحسین طاهرزاده و رضاقلی ظلی را از سینه سر می دهد.

سه تار عبادی تنهاست؛ برگیرید و بنوازیدش. نوروز ۱۳۷۲

* - برای تهیه این مقاله و عکسهای آن از کتاب سرگذشت موسیقی ایران چاپ اول اسفند ۱۳۳۳ تألیف روح الله خالقی استفاده شده است.

۱ - مقاله استاد فرامرز پایور در مورد پیش درآمد در شماره ۲ سال دهم شماره مسلسل ۱۱۰ مجله موزیک ایران تیرماه ۱۳۴۰.

۲ - به نقل از خود استاد نواب صفا.